

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 89/11/25

موضوع: شستن دست در وضو از دیدگاه شیعه و سنی (4)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقرية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

بحث ما در رابطه با کیفیت غسل یدین بود که آیا از اصابع به سمت مرفق و یا از سمت مرفق به سمت اصابع کشیده می شود.

جلسه گذشته از دو تن از شخصیت‌های فقهی اهل سنت به نام‌های «ابن قدامه مقدسی» متوفای 620 هجری و «ابن حزم اندلسی» متوفای 346 هجری مطالبی نقل کردیم و گفتیم آن‌ها به صراحت می‌گویند کلمه (إِلَى) در آیه شریفه:

(أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که برای نماز بپاخواستید صورت و دست‌ها را تا آرنج بشوئید.

سوره مائده (5): آیه 6

به معنای «مَعَ» هست. اگر ثابت شد که به معنای «مَعَ» هست دیگر معنا ندارد که شستن وضو از طرف انگشتان به طرف مرفق باشد.

در جلسه امروز هم نظر یکی دیگر از استوانه‌های فقهی و رجالی اهل سنت به نام «ابن حجر عسقلانی» متوفای 852 هجری را بررسی می‌کنیم.

ایشان جزء چهار شخصیت مشهور اهل سنت هستند. مشهور است که اهل سنت عیال کنار سفره این چهار نفر هستند؛ «عراقی»، «مزی»، «ذهبی» و «ابن حجر»!

ایشان همانند ورودی که «ابن قدامه مقدسی» داشت، بحث دخول مرفق در محدوده وضو و عدم دخول آن را مطرح می‌کند و می‌گوید:

«وقد اختلف العلماء هل يدخل المرفقان فی غسل الیدین أم لا»

میان علما اختلاف وجود دارد که آیا مرفقین در محدوده شستشو وارد است یا خیر.

«فقال المعظم نعم»

معظم فقها می‌گویند: بله.

«وخالف زفر وحکاه بعضهم عن مالک»

دیروز صحبت شد که «زفر بن هذیل» یکی از نزدیک‌ترین شاگردان و اصحاب «ابو حنیفه» بود.

«واحتج بعضهم للجمهور»

بعضی برای رأی جمهور احتجاج کردند.

در اینجا مرفقین هم داخل در محدوده غسل می‌باشد.

«واحتج بعضهم للجمهور بان إلی فی الآیة بمعنی مع كقوله تعالی ولا تأکلوا أموالهم إلی أموالکم»

بعضی از جمهور احتجاج کردند که کلمه «الی» در آیه به معنای «مع» هست مثل آیه (ولا تأکلوا أموالهم إلی أموالکم) که کلمه إلی به معنای مع است.

کلمه (إلی المرافق) به معنای «مَعَ المرافق» است. (إلی) در اینجا به معنای غایت و انتها استعمال نشده است.

«وتعقب بأنه خلاف الظاهر»

بعضی‌ها گفته‌اند اینکه (إلی) به معنای «مَعَ» باشد خلاف ظاهر است.

«وأجیب بان القرینه دلت علیه»

قرینه دلالت می‌کند که در اینجا (إلی) به معنای «مع» می‌باشد و مرفقین داخل در محدوده غَسَل می‌باشد.

«وهی کون ما بعد إلی من جنس ما قبلها»

به دلیل اینکه ما بعد (إلی) از جنس ما قبل (إلی) است، حد و غایت داخل در محدود و مغیا است.

این همان تعبیری است که دیروز از «مبرد» نقل شد.

«وقال بن القصار الید یتناولها الاسم إلی الإبط»

ابن قسار می‌گوید: کلمه ید از نوک انگشتان تا منتهی الیه زیر بغل را شامل می‌شود.

این نظریه هم حرف جالب و زیبایی است، تقاضا دارم عزیزان دقت کنند.

«لحدیث عمار أنه تیمم إلی الإبط»

در حدیث «عمار» وارد شده است که او موقع تیمم کردن تا زیر بغل را مسح کشید.

«وهو من أهل اللغه»

آن‌ها لغت شناس هستند و می‌فهمند استعمال ید چیست.

«فلما جاء قوله تعالى إلى المرافق بقى المرفق مغسولا مع الذراعين بحق الاسم انتهى»

(إلى مرافق) در سخن شارع مقدس باعث شده که مرفق داخل در محدوده غسل شده و خارج از مرفق داخل محدوده نیست. به دلیل اینکه اسم ید شامل کل می‌شد و (إلى المرفق) محدوده مرفق به پایین را از اسم واقعی ید خارج کرد.

«فعلی هذا فإلی هنا حد للمتروک من غسل الیدین»

کلمه «إلی» در اینجا برای محدوده‌ای است که باید ترک شود.

یعنی ید که تا إبط و زیر بغل را شامل می‌شود، «إلى المرفقین» مشخص می‌کند که از مرفق تا إبط از محدوده غسل خارج است و نباید این قسمت را بشویید.

«لا للمغسول»

برای حد مغسول نیست، بلکه برای حد متروک می‌باشد.

«وفی کون ذلک ظاهراً من السیاق نظر»

چنین بگوییم (إلی) محدوده خشکی را برای ما معین کرد، قابل تأمل است.

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار

النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج 1، ص 292، ح 183

ید از زیر بغل تا انگشتان را شامل می‌شد و (إِلَى) محدوده خشکی را برای ما معین کرد. اینکه (إِلَى) محدوده‌ای که باید طرد شود و شسته نشود را برای ما معین کند، نه محدوده‌ای که باید شسته شود. این بحث قابل تأمل و قابل نظر است.

حال این هم قرائتی از تفسیر آیه هست. این شخص هم خواسته اظهارنظری کند و بگوید کلمه (إِلَى) برای تعیین محدوده متروکه غسل است، محدوده غسل!!

«ابن حجر» جمله جالبی از «زمخشری» دارد که فقیه، لغت شناس و مورخ است و در تفسیر هم ید طولایی دارد. کتاب «کشاف» اثر «زمخشری» از تفاسیر معتبر و ادبی اهل سنت است و دقت‌های خوبی در تفسیر معانی الفاظ آیات دارد. می‌گوید:

«وقال الزمخشری لفظ إلى يفيد معنى الغايه مطلقاً»

زمخشری می‌گوید: کلمه (إِلَى) معنای غایت را همه جا افاده می‌دهد.

«فأما دخولها في الحكم وخروجها فامر يدور مع الدليل»

اینکه آیا مابعد (إِلَى) داخل در محدوده ماقبل (إِلَى) هست یا نیست، ما باید به دنبال دلیل بگردیم.

اگر قرینه‌ای در کلام مبنی بر دخول مابعد (إِلَى) در ماقبل (إِلَى) بود ما می‌پذیریم. زیرا ما تابع دلیل هستیم، اما اگر دلیل نبود ما نمی‌توانیم اعلام کنیم مابعد (إِلَى) در محدوده ماقبل (إِلَى) هست.

«فقوله تعالى ثم (أَتَمُّوا الصَّيَّامَ إِلَى اللَّيْلِ) دليل عدم الدخول النهي عن الوصال»

علت اینکه «لَیْل» داخل در محدوده «صوم» نیست، این است که ما دلیل داریم، زیرا شارع مقدس فرموده شما حق ندارید شب را داخل محدوده صوم ببرید.

یعنی دلیل داریم که به مجرد ورود لیل روزه‌داران باید افطار کنند.

«وقول القائل حفظت القرآن من أوله إلى آخره»

در اینجا جمله: قرآن را از اول تا آخر حفظ کردم،

«دلیل الدخول کون الکلام مسوقا لحفظ جميع القرآن»

چینش جمله معنایش چنین نیست که بگویند قرآن را از اول تا محدوده آخر حفظ کردم.

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار

النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج 1، ص 292، ح 183

معنای چینش جمله فوق این نیست که بگویند همه قرآن را از اول تا آخر حفظ کردم ولی قسمت آخر را دیگر

حفظ نکردم. بلکه «حفظت القرآن من أوله إلى آخره» یعنی «حفظت القرآن كله»!

روایت حسنی که در کتاب «سنن دارقطنی» هست، وارد شده است که نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و

سلم) زمانی که وضو می‌گرفتند عضدین را هم می‌شستند و مسح می‌کشیدند.

«نبوی» که یکی از فقهای بنام اهل سنت و متوفای 676 هجری است، همان سالی که استاد «علامه حلی»،

«مرحوم محقق حلی» صاحب «معتبر» از دنیا رفته است. ایشان هم آیه شریفه **(إِلَى الْمَرَافِقِ)** را می‌آورد و

می‌گوید:

«فقد اختلف الناس فی دخول المرافق فی التحدید، فقال قوم تدخل لانها من نوع ما قبلها»

همان تعبیر «ابن حزم اندلسی» است؛

«قاله سیبویه وغيره»

سیبویه و دیگران چنین حرفی گفته‌اند.

عبارت‌هایی که بنده انتخاب کردم از این جهت بود که هرکدام یک ویژگی داشت و بنده آن‌ها را انتخاب کردم. ما قصد نداریم همه اقوال فقها را بیاوریم. هرکدام از فقها که یک تکه خاصی دارد و قابل دقت است، آن‌ها را انتخاب کردم.

«نووی» می‌گوید: «آقای سیبویه» که از علمای بزرگ ادبیات عرب هست، گفته که مرفق داخل در محدوده است.

«وقیل لایدخل المرفقان فی العَسل. وهذا خطأ وقال بعضهم إن إلی بمعنى مع، کقولهم " الذود إلی الذود إبل»

این حدیث مشهوری در بحث زکات آبل می‌باشد. در روایت داریم در کمتر از پنج شتر زکات نیست. سؤال می‌کنند: اگر کسی دو شتر و چند بچه شتر دارد، چکار کند؟! حضرت فرمود:

«الذود إلی الذود إبل»

بچه شتر بین دو ساله تا 5 ساله را «ذود» می‌گویند. عده‌ای معتقدند دو بچه شتر به اضافه دو بچه شتر دیگر یک شتر حساب می‌شود. به بیان دیگر اگر کسی مثلاً 12 بچه شتر دارد و آن‌ها را روی هم بگذارد، شش شتر محسوب می‌شود. اگر چنین باشد زکات بر او لازم است. در ادبیات عرب این مسئله ضرب المثل شده است که می‌گویند:

«الذود إلی الذود إبل»

بچه شتر به اضافه بچه شتر، شتر کامل هست.

در اینجا کلمه «إلی» در کلام نبی گرامی اسلام به معنای «مع» استعمال شده است. سپس آیه شریفه: (ولا تأکلوا أموالهم إلی أموالکم) را می‌آورد و می‌گوید:

«فقال طائفة من المتأخرين إن إلى هنا بمعنى مع، كقوله تعالى " من أنصاري إلى الله "»

طایفه‌ای از فقهای متأخر گفته‌اند کلمه **إلى** در اینجا به معنای **مع** هست همانند قول خداوند متعال که می‌فرماید: **(من أنصاري إلى الله)**.

المجموع شرح المذهب، المؤلف: أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: 676 هـ)، ج 18، ص 109، باب جامع الايمان

کتاب «المجموع» یکی از کتاب‌های فقهی مفصل «شافعی‌ها» می‌باشد و همانند کتاب «جواهر» ماست. ایشان سپس در ذیل کلامشان تعبیری دارد که بسیار جالب است و عمده حرف آقای «نوی» در اینجا می‌باشد. او می‌نویسد:

«فذكر ابن قتيبة والأزهري وآخرون من أهل اللغة والفقهاء في كيفية الاستدلال بالآية كلاما»

ابن قتیبه و ازهری و لغویون فقهای متأخر در کیفیت استدلال آیه کلامی گفته‌اند.

«ابن قتیبه» و «ازهری» از لغت نگاران مشهور کلامی اهل سنت هستند.

«مختصره أن جماعة من أهل اللغة منهم أبو العباس ثعلب وآخرون قالوا: (إلى) بمعنى مع»

مختصر کلام آن‌ها این است: لغت نگاران از جمله ابو عباس، ثعلب و دیگران گفته‌اند در این آیه شریفه **إلى** به معنای **مع** است.

المجموع شرح المذهب، المؤلف: أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: 676 هـ)، ج 1، ص 385، باب السواك



آقای «شربینی» متوفای 977 هجری روایتی را از کتاب «صحيح مسلم» در مورد وضو گرفتن «أبوهريره» می‌آورد و می‌نویسد:

«ثم غسل يده اليمنى حتى أشرع في العضد ثم اليسرى حتى أشرع في العضد»

ابوهريره وقت وضو گرفتن دستش را می‌شست مرفقینش را هم داخل محدوده می‌کرد.

کلمه «أشرع» را به معنای «شرع» نگرفتند بلکه به معنای «أدخل» گرفته اند. ایشان سپس علت اینکه مرفق باید داخل باشد را بیان می‌کند:

«وللاجماع ولقوله تعالى (وأيدىكم إلى المرافق) وإلى بمعنى مع»

به دلیل اجماع و آیه شریفه (وأيدىكم إلى المرافق) که (إلى) به معنای «مع» است.

«كما في قوله تعالى (من أنصاري إلى الله) أي مع الله وقوله تعالى (ويزدكم قوة إلى قوتكم)»

همانطور که در آیات شریفه (من أنصاري إلى الله) و (ويزدكم قوة إلى قوتكم) هم (إلى) به معنای «مع» است.

الإقناع في حل ألفاظ أبي شجاع، اسم المؤلف: محمد الشربيني الخطيب، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1415،

تحقيق: مكتب البحوث والدراسات - دار الفكر، ج 1، ص 43

این کلام «محمد بن احمد شربینی» بود یکی از فقهای اهل سنت متوفای 977 هجری هست. ایشان هم عصر با «شهید ثانی» می‌باشد و وفات او در همان سالی است که «شهید ثانی» از دنیا رفته است.

آقای «بیضاوی» که کتاب تفسیر او جزء تفاسیر مشهور و قابل اهتمام اهل سنت هست متوفای 685 هجری است. ایشان هم می‌گوید:

«(وأيدىكم إلى المرافق) الجمهور على دخول المرفقين في المغسول ولذلك قيل (إلى) بمعنى مع»

تفسیر البیضاوی، اسم المؤلف: البیضاوی، دار النشر: دار الفکر - بیروت، ج 2، ص 299، باب المائدة: (6) یا ایها الذین...

آقای «فخر الدین رازی» متوفای 606 هم تعبیر زیبایی دارد و می نویسد:

«قال الأكثرون من أهل اللغة إلى ههنا بمعنى مع»

اکثر اهل لغت معتقدند (إلی) در آیه شریفه به معنای «مع» می باشد.

«قال تعالى: (وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ) (النساء: 2) أي معها، وقال: (الذود إلى الذود إبل) أي مع الذود»

التفسیر الكبير أو مفاتيح الغیب، اسم المؤلف: فخر الدین محمد بن عمر التمیمی الرازی الشافعی، دار النشر: دار الكتب العلمية - بیروت - 1421 هـ - 2000 م، الطبعة: الأولى، ج 8، ص 55، باب آل عمران: (52 - 54) فلما أحس عيسى...

«امام قرطبی» متوفای 671 هجری یعنی اواسط قرن هفتم هم در ذیل آیه شریفه:

(مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ)

کیست مرا برای خدا یاری کند؟

سوره آل عمران (3): آیه 52

می گوید:

«قال السدی والثوری وغيرهما: المعنى مع الله»

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاری القرطبی، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج 4، ص 97، باب آل عمران: (52) فلما أحس عيسى...

جناب «سدى» يکى از مفسران نامى اهل سنت و «سفیان ثورى» يکى از فقهای نامى اهل سنت مى‌گویند: در اینجا کلمه (إِلَى) به معنای «مع» هست. همچنین در آیه شریفه:

**(وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ)**

و اموال آن‌ها را با اموال خودتان (به وسیله مخلوط کردن یا تبدیل نمودن) نخورید.

**سوره نساء (4): آیه 2**

هم (إِلَى) به معنای «مع» هست. و در آیه شریفه:

**(وَأَيَّدِكُمُ إِلَىٰ الْمَرَافِقِ)**

در اینجا بازهم همان حرفى که آقاى «ابن قدامه مقدسى»، «ابن حجر»، «ابن حزم اندلسى» داشته است را مى‌آورد و مى‌گوید:

«واختلف الناس فى دخول المرافق فى التحديد فقال قوم: نعم لأن ما بعد إلى إذا كان من نوع ما قبلها دخل فيه»

مى‌گوید: اگر مابعد (إِلَى) از جنس ماقبل (إِلَى) باشد حد داخل محدودّ فيه هست، در غیر این صورت داخل محدودّ فيه نیست.

همچنین در آیه شریفه (إِلَى الْمَرَافِقِ) هم به دلیل اینکه مابعد (إِلَى) از جنس ماقبل (إِلَى) هست، داخل در محدوده است.

ایشان سپس روایاتی را که از «جابر» در کتاب «صحیح مسلم» نقل شده است را مى‌آورد و مى‌نویسد جابر گفت:

«إذا توضع أدماء على مرفقيه وقد قال بعضهم: إن إلى بمعنى مع»

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج 6، ص 86، باب المائدة: (6) يا أيها الذين... ..

آقای «آلوسی وهابی» متوفای 1270 که او امروزه برای وهابیت از اهتمام ویژه‌ای برخوردار است، می‌گوید در آیه شریفه (وَأَيُّدِكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ) مرفقین داخل در محدوده وضو هست؛

«ولذلك قيل إلى بمعنى مع»

لذا در این آیه کلمه (إِلَى) به معنای «مع» هست.

«كما في قوله تعالى: ويزدكم قوة إلى قوتكم و من أنصاري إلى الله»

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج 6، ص 70، باب المائدة: (6) يا أيها الذين... ..

تا اینجا ما چند مطلب را ثابت کردیم؛ مطلب اول اینکه روایات اهل بیت بیان کرده‌اند که (إِلَى) در آیه شریفه به معنای «من» هست و تنزیل هم «من المرافق» است.

امام باقر (علیه السلام) وضوی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را نقل کردند و فرمودند: زمانی که پیغمبر اکرم وضو می‌گرفت، شستن دست را از مرفق شروع می‌کردند تا به طرف انگشتان می‌کشیدند.

امام صادق (علیه السلام) عملاً نشان دادند که وضو گرفتن از بالا به پایین است. فقهای شیعه هم اتفاق نظر دارند که شستن از بالا به سمت انگشتان است.

تنها مطلبی که از بعضی فقهای اهل سنت وارد شده این است که کلمه **إِلَى** به معنای انتها و غایت است و در اینجا گفته‌اند: **إِلَى** به معنای «مع» آمده، نه به معنای غایت! اگر به معنای «مع» آمده و به معنای غایت نیست، بنابراین هیچ دلیلی مبنی بر اینکه از انگشتان شروع کنیم تا به طرف مرفق برسد برای ما نمی‌ماند.

شارع مقدس محدوده شستشو را مشخص کرده و چگونگی شستشو را به عرف واگذار کرده است. ملاک عرف هم در تمام شستشوها از بالا به پایین هست.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته